

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام. تقدیم به ساحت مقدس قرآن ناطق، امام مهدی موعود، عجل الله تعالی فرجه الشریف و تقدیم به سرباز خط مقدم حضرت در سنگر سیاست و فرهنگ، امام خامنه ای، دامت برکاته حتی الظهور و بعده لمدة طويلة؛ جزوه بررسی آثار ترجمه شده اسلامی (۲) – واحد اسرار دانشگاه بین المللی امام رضا، علیه آلاف التحية و الثناء؛ ترم بهار ۹۴-۱۳۹۳؛ تاریخ نشر: سه شنبه، ۱۳ خرداد ۱۳۹۴؛ مدرس و مؤلف: محمد یزدانی، عضو هیأت علمی گروه زبان انگلیسی.

نکات مهم:

- در انتهای بحث هر سوره، بخشی تحت عنوان تعریف برخی اصطلاحات آمده است. توصیه می شود قبل مطالعه بحث هر سوره، ابتدا آن قسمت را بخوانید.
- آزمون تشریحی و کاملاً seen/از موارد کار شده خواهد بود. انواع سوال امتحانی در کلاس بحث شد. اما، محض یادآوری:
  - معادل انگلیسی کلمات عربی زیر را بنویسید.
  - تعریف انگلیسی کلمات انگلیسی زیر را بنویسید. (کلماتی که در جزوه یا تعریف شان ذکر شده یا از شما خواسته ام در فرهنگ لغت/یادداشت هایتان نگاه کنید)
  - ترجمه انگلیسی آیات زیر را بنویسید. (معادل نهایی تایید شده)
  - ترجمه های زیر را اصلاح کنید.
  - ترجمه های زیر را نقد کنید.
  - تعریف اصطلاحات زیر را بنویسید. (مثلاً، undertranslation)
  - این تعاریف مربوط به کدام اصطلاح ترجمه است؟ بنویسید.
  - برای موارد زیر مثال بزنید. (مثلاً، برای overtranslation مثال بزنید.)
  - در ترجمه های زیر چه نوع روش/استراتژی ترجمه استفاده شده است؟ (در قسمت نقد ترجمه در هر سوره مواردی وجود دارد. مثلاً، گاهی اشاره کرده ام که فلان معادل از روش بسط به دست آمده است و فلان معادل از طریق حرف نگاری....)
  - برای ترجمه مناسب و کامل هر کدام از آیات زیر کدام روش/استراتژی ترجمه لازم است استفاده شود؟ (مثلاً، برای ترجمه ی عنوان، از روش بسط و حرف نگاری و ترکیب/compounding همزمان استفاده می شود.)
  - آیا با مطالب زیر موافقت؟ استدلال کنید و دلیل موافقت یا مخالفت تان را ذکر کنید. (نمونه ی این نوع سوال: تمامی صفات الهی صفت محدودگرند. موافقت؟ چرا؟)

الف. سوره مبارکه حمد

متن کامل سوره

«به نام الله، که رحمان و رحیم است؛	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾
ستایش مخصوص الله است، پروردگار و مدیر جهانیان،	الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾
که رحمت گستر رحمت پرور است،	الرَّحْمَنُ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾
و صاحب و فرمانروای مطلق روز جزاست؛	مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٤﴾
تنها تو را بندگی می کنیم و تنها از تو کمک می خواهیم؛	إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾
ما را در طول جاده مستقیم هدایت بفرما-	اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾
جاده کسانی که به آنان نعمت (ولایت) عنایت کردی،	صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
نه کسانی که مستوجب غضب(ت) شدند و نه ره گم کردگان.»	غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾

## عنوان: سورة الفاتحة: (Chapter, The Opening) Surah Al-Fātiḥah

- «ح» را به صورت 'h' نشان می دهیم تا با «ه» اشتباه نشود.
- خط روی a نشانه ی کشیده بودن صدای آن است.
- قسمت اول ترجمه، transliteration یا حرف نگاری است و برای ترجمه اسامی خاص و انعکاس فرهنگ مبدأ استفاده میشود و قسمت دوم ترجمه (داخل پرانتز) معادل گذاری در مقصد است، با هدف انتقال مفهوم و برقراری ارتباط با مخاطب در مقصد.

### آیه اول

بسم الله الرحمن الرحيم: به نام الله، که رحمان و رحیم است؛

### تحلیل متن مبدأ/ ST Analysis

- **أبتدأ:** این سوره با ابتداء شروع می شود، که مستتر است. پس کامل است و واحد آن semi-clause است: شبه جمله است، چون فاعل و فعل آن مستتر می باشد: من آغاز می کنم. من: فاعل؛ آغاز می کنم: فعل.
- **الله:**
  - لفظ جلاله «الله» در اصل «ال إله» بود است و پس از ادغام به شکل حاضر در آمده است. اگر «ال» را حرف تعریف معرفه/ definite article در نظر بگیریم و «إله» را معبود معنا کنیم، بنابراین، «الله» یعنی تنها خدایی که به عنوان معبود در عالم وجود به رسمیت شناخته شده است.
  - نیز الله از ریشه آله (معبود بودن) است. الله بر وزن فعال است - که صیغه مبالغه است. پس الله یعنی وجود نازنینی که تمام ویژگی ها و خصوصیات إله بودن ( معبود بودن ) را داراست و از تمام صفات سلیبه منزّه است. الله کامل ترین نام خداست.
  - با این اوصاف، نام جلاله «الله» قابل ترجمه نیست زیرا همه ی این ویژگی ها و ابعاد در ترجمه به God از بین می روند. توضیح: در قسمت نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis انگلیسی.
- **الرحمن الرحيم:**
  - رحمن و رحیم اکثراً به بخشنده و مهربان ترجمه می شود، اما معادلی دقیق تر از آن دارد. رحمن بر وزن فعّالان صیغه مبالغه است، که گستردگی صفت را نشان می دهد - یعنی دارای رحمت گسترده - و رحیم بر وزن فعّیل صفت مشبّهه است - که ثبات صفت را می رساند - یعنی دارای رحمت همیشگی. با توجه به این که در انگلیسی و فارسی معادلی نداریم که این معانی دقیق را برساند، «رحمان و رحیم» در فارسی و "Raḥmān and Raḥīm" در انگلیسی، دقیق ترین معادلند.
  - نام جلاله ی «الله» معرفه است. پس «ال» در الرحمن و الرحيم نیز نشانه ی معرفه است، چون صفت از موصوف تبعیت می کند. پس «الرحمن» و «الرحيم» نیز معرفه اند. در ترجمه دقت کنیم که آیا این ویژگی منتقل شده است یا نه. پاسخ: در قسمت نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis.

## نقد و بررسی ترجمه / TT Critical Analysis

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: به نام الله، که رحمان و رحیم است؛

In the Name of Allah, the Most Beneficent, the Most Merciful.

“In the Name of Allah, the Most-All-MercifulBeneficent, the Most-Ever-Merciful;”

“In the Name of Allah, the All-Merciful, the Ever-Merciful;”

• برای ترجمه ی «الله»، بهترین معادل، «Allah» است، زیرا:

- مستقیماً به خدای یگانه اشاره دارد و چند خدایی یا تثلیث (اعتقاد مسیحیت به اینکه خدا سه لایه دارد: خدای پدر، خدای پسر، روح القدس «جبرئیل») را تأیید نمی کند، پس مناسب تر است برای انعکاس مفاهیم قرآن مجید. روشن است که ما نمیتوانیم نامی توحیدی را با معادلی که رنگ و بوی شرک گرفته است (یعنی «God») ترجمه کنیم؛ «Allah» معادلی کاملاً توحیدی است.
- قاعده در ترجمه معمولاً این است: اسم خاص قابل ترجمه نیست. «Allah» اسم خاص است.
- از نظر مفهومی، تمامی صفات جمال و جلال الهی در «Allah» جمع است و آن را ترجمه ناپذیر کرده است، زیرا معادلی در انگلیسی موجود نیست که این ویژگی را دارا باشد. لذا، اینجا خلأ واژگانی/lexical gap داریم.
- از لحاظ phonological (آوایی)، «الله» صداهای نرم و لطیف و مهرآمیز دارد: دو صدای کلمه الله نرم است: لام و هاء. اما صداهای «God» انفجاری است، که خشونت را به حس القاء می کند: /g/ & /d/.

• سوال: ایراد معادل the Most Beneficent چیست؟ پاسخ:

- benefit یعنی خیر و سود و beneficent یعنی کسی که خیلی خیرش به دیگران میرسد: «خیر»؛ مثلاً، «خیر مسجد ساز/مدرسه ساز». اما در اینجا منظور از رحمن این است: «دارای رحمت عام»، پس از «Merciful» استفاده میکنیم.
- معادل the Most Beneficent از نوع compound است، اما به صورت جدا جدا نوشته شده است و ایراد دارد.
- معادل most در ترجمه «الرحمن» خیلی دقیق نیست، زیرا most با این که شدت رحمانیت خدا را می رساند، اما فراگیر بودن کامل آن را نمی رساند و حق ترجمه را ادا نمی کند. استفاده از All دقیق تر است و فراگیری رحمانیت را می رساند.

• سوال: آیا برای ترجمه ی «رحیم»، معادل the Most Merciful مناسب است؟ پاسخ: خیر:

- most شدت را می رساند و ربطی به دائمی بودن رحمت مورد اشاره ی «رحیم» ندارد؛ لذا، با جایگزین کردن ever، صفت مشابه به معنای رحیم بازسازی و مفهوم دوام و ثبات رحمت منتقل می شود؛
- معادل حاضر، ترکیب است و نیاز به خط تیره/hyphen دارد؛
- Merciful مناسب است زیرا از ریشه ی mercy به مفهوم رحمت است و هم مناسب رحمن است و هم رحیم زیرا این دو نیز از ریشه رحمتند.

• سوال: نام روش ترجمه در معادل the All-Merciful and the Ever-Merciful چیست؟ چرا از این روش استفاده می کنیم؟ پاسخ:

نام این روش، compounding/ترکیب است؛ در زبان مقصد، معادل تک واژگانی مناسبی وجود ندارد؛ پس از ترکیب استفاده کردیم.<sup>۱</sup>

• سوال: بهترین روش برای ترجمه هنگام مواجهه با خلأ واژگانی چیست؟ پاسخ:

- همان طور که در قسمت تحلیل متن مبدأ ST Analysis گفتیم، «در مطالعات ترجمه، وقتی خلأ واژگانی/lexical gap داریم – مثلاً اینجا – دقیق ترین روش ترجمه، استقراض/borrowing است.» اما چون مخاطب ما مخاطب عام است، در وامگیری محدودیت داریم و دلیل معادل گذاری در انگلیسی نیز همین است. وامگیری باعث غربت متن مقصد TT/ در نظر خواننده ی عام می شود. خواننده ی عام با معادل گذاری از جنس زبان مقصد/TL بیشتر مأنوس است.

<sup>۱</sup> به بودن معادل یا فقدان معادل مناسب در مقصد lexical gap می گوئیم. نگاه کنید به بخش تعریف برخی اصطلاحات در پایان همین بحث.

### سوره مبارکه فاتحه الكتاب، صفحه ۴ از ۱۲

- سوال: چرا در ترجمه رحمن و رحیم از ویرگول استفاده می کنیم؟ پاسخ: برای این که! ☺  
اما پاسخ قانع کننده تر از «برای این که» این است: قاعده این است که معمولاً nonrestrictive adjective یا صفت غیرمحدودگر با ویرگول از جمله جدا میشود. به همین خاطر، the All-Merciful و the Ever-Merciful با ویرگول از قبل و بعد خود جدا می شوند. البته چون صفت the Ever-Merciful در انتهای جمله قرار گرفته است، آخر جمله، علامت نگارشی نقطه بند (؛) است، که به خاطر ارتباط آیه ی حاضر و آیه ی بعد است و ربطی به صفت غیرمحدودگر ندارد.
- سوال: چرا آخر ترجمه ی بسم الله الرحمن الرحيم، نقطه را حذف می کنیم؟ پاسخ:  
نقطه ی آخر ترجمه، به نقطه بند تبدیل می شود زیرا «بسم الله الرحمن الرحيم»:
  - جزء متن سوره است؛
  - ارتباط نزدیک و مستقیمی با ادامه ی آن دارد.
- سوال: چرا ابتدای ترجمه «بسم الله الرحمن الرحيم» از گیومه استفاده شده است؟ پاسخ:
  - اولاً، کل قرآن مجید یک نقل مستقیم از خدای متعال توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و بلکه از نقل قول مستقیم هم بالاتر: حضرت محمد، صلی الله علیه و آله و سلم، حتی «قل» و «یا ایها الرسول» و .... که خطاب به خود ایشان است را نیز دست کاری نکرده اند و همه ی الفاظ الهی را بی کم و کاست و تغییر به مردم رساندند. به همین دلیل، ما هم از ابتدای «بسم الله الرحمن الرحيم» هر سوره تا انتهای آن را داخل دو گیومه می گذاریم تا واقعیت فوق را منعکس کنیم.
  - ثانیاً، «بسم الله الرحمن الرحيم» جزء سوره و متن آن است و هر بسم الله الرحمن الرحيم در واقع یک تجلی و مفهوم جدید است و تکراری نیست. برای این که این پیوستگی و انسجام را برسانیم، بسم الله الرحمن الرحيم را در ترجمه داخل گیومه می گذاریم تا بگوییم جزء متن است.
- سوال: چرا پنجره بازه؟ چرا کتری رو گازه؟ پاسخ: این سوال در امتحان نمی آید؛ نگران نباشید؛ حذف است! ☺

### آیه دوم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ : ستایش مخصوص الله است، که پروردگار و مدیر جهانیان است،

### تحلیل متن مبدأ/ST Analysis

- این آیه آغاز یک کلاز (جملان = clause) جدید است، که البته این جملان در آیات بعدی ادامه دارد و بعداً کامل خواهد شد.
- نهاد یا subject این آیه «الحمد» است، زیرا می خواهیم درباره آن خبر بدهیم و گزاره آن «الله رب العالمین الرحمن الرحیم مالک یوم الدین» است، که در آیات بعدی تکمیل می شود.
- «ال» در کلمه الحمد ال استغراق است. استغراق یعنی پوشش کامل مصادیق (full inclusion). (توضیح کامل در بخش تعریف برخی اصطلاحات.) الحمد لله یعنی تمام حمد مخصوص الله است؛ به عبارتی، حمد غیر از خدا مقصد دیگری ممکن نیست داشته باشد، چون انسان فطرتاً خداجو است و حتی اگر به ظاهر تصور کند دارد شخص دیگری را حمد می کند، در باطن فطری خود مشغول حمد الهی است. با توجه به قرآن مجید که می فرماید: يسبح لله ما في السماوات و ما في الارض، متوجه میشویم که همه چیز در عالم تسبیح خدا را میگویند و در کل عالم هستی از ازل تا ابد حمد برای غیر خدا ممکن نیست رخ دهد، نه این که نباید رخ دهد و اینجا منع شده باشد.
- «ال» در العالمین هم ال استغراق است، پس یعنی همه ی عالمیان/عالم ها.
- mood این سوره اخباری/declarative است، یعنی الحمد لله رب العالمین خبر از حقیقت عالم وجود است، نه این که دعا یا تشریح باشد.<sup>۲</sup>

<sup>۲</sup> البته از این جمله تکوینی (بیان واقع) می توان وظیفه بندگی را هم نتیجه گرفت: پس باید فقط او را حمد کنیم و عقیده و کلام و عمل را مطابق این حقیقت عالم وجود تطبیق دهیم.

### سوره مبارکه فاتحه الكتاب، صفحه ی ۵ از ۱۲

- الحمد: حمد در قبال کمالات شخصیتی و وجودی افراد است و شکر در قبال نعمت ها و احسان است.
- رب: پرورش دهنده؛ مدیر؛ صاحب؛ مالک... در این مورد نیز در مقصد خلأ و ازگانی/lexical gap داریم اما چون مخاطب عام مورد نظر است، از معادلی مقصد-محور، مثل Lord، استفاده می کنیم، اگر چه دقتش به اندازه ی Rabb نیست، اما برای مخاطب عام روشن تر است.

### نقد و بررسی ترجمه/TT Critical Analysis

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ : ستایش مخصوص الله است، که پروردگار و مدیر جهانیان است،

Praise be to Allah, Lord of the Worlds.

All praise belongs to Allah, the Lord of the All Worlds.

All praise belongs to Allah, the Lord of All Worlds.

- سوال: وجه/mood الحمد لله رب العالمين چیست؟ آیا در ترجمه درست منعکس شده است؟  
پاسخ: declarative است اما praise be (حمد...باد) التزامی یا subjunctive است و درست نیست. پس از belongs استفاده می کنیم زیرا وجه اخباری را منعکس می کند، به دو دلیل:
  - به صورت حال ساده آمده است و گزارش واقع/حقیقت با این زمان فعل (tense) انجام می شود؛
  - مفهوم تعلق داشتن و خاص کسی بودن، وجه اخباری و خبر از واقع را روشن تر می کند.
- به Lord باید the را اضافه کنیم چون خدا یکیست و معرفه است: تنها رب العالمين اوست و Lord بدون حرف تعریف ناقصست و این دو مفهوم را نمی رساند.
- ال استغراق در الحمد و در العالمين منعکس نشده است. در ویرایش ترجمه، اضافه کردن all در هر دو مورد مشکل را حل کرده است.
- «العالمين» به همه ی عوالم مخلوق خدای متعال اشاره دارد. ما همه ی این جهان ها/جهانیان را نمی شناسیم؛ بنابراین، ترجمه ی «ال» به the اشتباه است و «ال» استغراق را به «ال» معرفه/definite article تبدیل می کند. جایگزینی all، راه حل ماست.
- انتهای آیه حاضر، نقطه درست نیست، زیرا هنوز predicate (گزاره) کامل نشده است و در دو آیه دیگر کامل خواهد شد. بنابراین از ویرگول استفاده می کنیم.

### آیه سوم

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ: که رحمان و رحیم است،

### تحلیل متن مبدأ/ST Analysis

- این آیه به لحاظ لغوی مشمول توضیحات «بسم الله الرحمن الرحيم» می شود.
  - اما به لحاظ ساختاری، «الرحمن الرحيم» بدل است برای «رب العالمين»؛ این آیه، در مجموع، modifier/توصیف کننده است برای «رب العالمين».
  - بنابراین، وابسته به ماقبل خود است و در بخش نقد و بررسی خواهیم دید که قبل آن (= انتهای آیه قبلی) ویرگول می گذاریم.

### نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ: که رحمان و رحیم است،

the most beneficent, the most merciful.

~~The Allmost-beneficent Merciful, the Evermost-M-merciful;~~

The All-Merciful, the Ever-Merciful,

- صفات و ضمائر و اسامی خداوند متعال همواره/capitalized/بزرگ نگاشته ثبت می شوند؛ چون رحمن و رحیم، صفات حضرتند، بزرگ نگاری<sup>۳</sup> می کنیم.
- همه ی آیات قرآن مجید با حرف بزرگ شروع می شود حتی اگر ادامه ی جمله ی قبلی باشند، مثل اینجا.
- چون این آیه هنوز ادامه دارد و گزاره/predicate، هنوز کامل نشده است، نقطه اشتباه است. «مالک یوم الدین» که بعداً خواهد آمد، بدل و وابسته به ماقبل است؛ لذا، با ویرگول انتهایی این آیه، از موصوفش جدا می شود.

### آیه چهارم

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ: صاحب/فرمانروای (مطلق) روز جزا؛

### تحلیل متن مبدأ/ ST Analysis

- مَالِكِ - و در برخی نسخه ها، مَلِكِ - هر دو از ریشه «م-ل-ک» هستند. اما اولی از ریشه مَلِك (صاحب بودن) و دومی از ریشه مُلِك (فرمانروا/پادشاه بودن) است. بنابراین، اولی = صاحب؛ دومی = فرمانروا.
- «یوم» در اینجا مرحله ای بسیار طولانی تر از شبانه روز ۲۴ ساعته ی ماست؛ در ترجمه دقت کنیم.
- دین در اینجا با دین به معنای اعتقادات اشتباه گرفته نشود. اینجا دین یعنی (بازگشت) جزا.
- این آیه توصیف گر modifier است برای «رب العالمین» و چون پایه ی این توصیف گر، اسم است، پس این آیه نقش بدل دارد.
- بنابراین، این آیه به قبل خود وابسته است؛ لذا، در ترجمه ی آیه قبلی، از ویرگول استفاده کردیم.

### نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ: صاحب/فرمانروای (مطلق) روز جزا؛

The Possessor of the Day of Doom,

The ~~Possessor-Master~~ of the Day of ~~Doom~~Recompense;

The Master of the Day of Recompense;

- کلمه ی اول این آیه، در برخی نسخه ها مَالِكِ و در برخی مَلِكِ است. ما مطمئن نیستیم، ترجمه ما زیر کدام نسخه قرار می گیرد؛ لذا، هر دو را در نظر می گیریم.
- لذا، معادل possessor ناقص و جایگزین خوب آن master است - که هم معنای فرمانروا و هم صاحب را می رساند. اما معادل possessor یکی از معانی را حذف/فیلتر می کند و نوعی overtranslation/ترجمه از عام به خاص است.<sup>۴</sup>
- قرآن مجید متناسب با مطلب و جایگاه کلام، هر جا با اسمی خاص از قیامت یاد کرده است: یوم الحسرة، یوم الحساب، یوم التغابن. پس استفاده از نام یوم الدین برای روز قیامت هم مبنای textual context (بافت متنی) دارد (= متناسب است با بافت متنی ای که در آن قرار گرفته است) (روز جزا، او مَالِكِ او مَلِكِ است، پس سر و کار ما با اوست؛ پس او را بندگی می کنیم و لا غیر). لذا، باید نام روز قیامت اینجا دقیق ترجمه شود و به مصداق اکتفا نکنیم - معادل Judgment Day یا Doomsday واضح و رایجند اما دقیق و مقبول، نه: مصداق را می رسانند، اما معنی را تغییر می دهند.

<sup>۳</sup> بزرگ نگاری/capitalization: بزرگ نوشتن حروف اول کلمه/کلمات، با هدف نشان دادن خاص/proper بودن کلمه، اول جمله/آیه بودن آن یا سایر اهداف.

• <sup>۴</sup> overtranslation همان ترجمه از مفهومی عام تر است به مفهومی خاص تر. در این ترجمه، دایره معنایی مفهوم کلمه کوچک تر می شود و به همین دلیل نوعی فیلتر محسوب می شود؛ (توضیحات کامل تر در بخش تعریف برخی اصطلاحات).

### سوره مبارکه فاتحه الكتاب، صفحه ی ۷ از ۱۲

- the Day of Doom اگرچه مصداقاً به روز قیامت اشاره دارد، اما semantically (به لحاظ مفهومی) با معنای «يَوْمُ الدِّينِ» فاصله ی بسیار دارد.
- خلاصه این که ایرادِ the Day of Doom از این قرار است:
  - معنای آن یعنی روز محتوم و با متن مبدأ متفاوت است؛
  - tone آن منفی است، در صورتیکه «يَوْمُ الدِّينِ» خنثی است.
- کلمه ای که از هر لحاظ مناسبتر است، «the Day of Recompense» است، که معنای آن «روز (بازگشت) جزاست - چه جزای مثبت و چه منفی؛ پس خنثی است، مثل متن مبدأ، و لحن/ tone خنثی را حفظ و به TT منتقل می کند.

### آیه پنجم

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ: تنها تو را بندگی می کنیم و تنها از تو کمک می خواهیم؛

### تحلیل متن مبدأ/ ST Analysis

- «إِيَّاكَ» به معنای «تو» (ضمیر منفصل/ جدا) است:
  - چون مفعول است، معنایش می شود: «تو را».
  - چون مفعول اول آمده، انحصاری بودن آن را می رساند: «فقط تو را».
  - این آیه، جمله ای compound/ مرکب، متشکل از دو clause مستقل است.
- نعبد از ریشه «ع-ب-د» است. اینجا به معنای عبودیت و بندگی و اطاعت می کنیم است، و منظور پرستش و آداب آن نیست (هرچند، دومی هم در دل اولی قرار دارد و لازم و ملزوم همنند).
- «نستعین» از ریشه «ع-ن-» به معنی کمک کردن است. پس معنای آن در باب استفعال می شود: «کمک می خواهیم».
- این آیه نتیجه ی منطقی آیات این سوره از ابتدا تا «مالک يوم الدين» است (زیرا خدایی که این همه کمالات را منحصرأ دارد، تنها اوست که بندگی می کنیم و از اوست که کمک می خواهیم)؛ بنابراین، انتهای آیه قبل، نقطه نمی گذاریم و از نقطه بند (؛) استفاده می کنیم، تا رابطه منطقی نزدیک آنها به وضوح منعکس شود.
- این آیه مطلب کامل (full proposition) است؛ بنابراین، از قبل و بعد خود به لحاظ معنایی و ساختاری مستقل است. البته ارتباطش با قبل و بعد، سر جای خود است - ارتباطی مستقیم و نزدیک.

### نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ: تنها تو را بندگی می کنیم و تنها از تو کمک می خواهیم؛

We worship You (Alone), and you (Alone) we ask for assistance (for each and everything).

We ~~worship/serve You/Thou (Alone/alone)~~, and ~~you/Thou (Alone/alone)~~ we ask for ~~assistance/help (for each and everything)~~;  
Thee do we serve and Thee do we ask for help:

- مترجم به جای استفاده از ساختار معکوس (ذکر مفعول قبل فاعل) از قید انحصار alone استفاده کرده است، که:
  - زیبایی ترجمه کم شده است.
  - از اختصار و ایجاز کاسته شده است.
- بنابراین از همان ساختار معکوس استفاده می کنیم: Thee do we.....
- سوال: استفاده از do برای چیست؟ پاسخ:
- «do» اینجا هیچ معنایی ندارد، بلکه به دلیل استفاده از ساختار معکوس، باید ظاهر این جمله ی خبری، سؤالی باشد. مثلاً:  
ندیدم کریمی به آقایی تو: . Never have I seen a person as generous as you.

### سوره مبارکه فاتحه الكتاب، صفحه ی ۸ از ۱۲

- نَعِدُ به معنای «عبودیت و بندگی می کنیم» است؛ بنابراین، worship- که به معنای عبادت و پرستش با آداب و مراسم آن است- اینجا و در این بافت کلام مدّ نظر نیست. بافت کلام اینجا: ما از کسی اطاعت می کنیم و بنده ی کسی هستیم که سر و کار ما در معاد با او است و کمالاتی دارد که هیچ کس جز او ندارد (رحمانیت و رحیمیت و ربوبیت و مالکیت و ملکیت مطلق). بنابراین، serve درست است.<sup>۶</sup>
- به فرض هم که alone را قبول کنیم، این کلمه نباید در پراگماتیک بیاید، زیرا منتقل کننده ی مفهوم انحصار است، که برای خواننده ی متن مبدأ آشکار است. لذا، alone آشکارسازی/explicitation نیست، بلکه بسط/expansion است و در بسط، ما از پراگماتیک استفاده نمی کنیم. (وای! چقدر طولانی شد! به قول جورج برنارد شاو، اون قدر وقت ندارم که مختصر بنویسم! 😊/☺)
- you دو ایراد دارد:
  - بزرگ نگاری/capitalization نشده است، در حالی که به خدای متعال دلالت می کند؛
  - سبک متون مقدس (Thee) را رعایت نکرده است.
- assistance ترجمه به خاص/overtranslation است، زیرا کمک را به موارد محدودتری تبدیل می کند. (assistance معمولاً کمک از سوی فردی در رتبه پایین تر به کسی در رتبه بالاتر است و مناسب کمک خدا به ما نیست؛ ضمناً، assistance کمکی فرعی است و «استعانت» درخواست کمک اصلی است.)
- for each and everything بیش از حد مطلب را تعمیم ناروا می دهد. آن چه از بافت کلام و ظاهر آیات فهمیده می شود این است که کمک خواستن ما از خدای متعال برای حرکت در صراط مستقیم است، که در آیه ی بعدی آمده است: textual context .
- در انتها، دو نقطه (:): می گذاریم تا بگوییم، منظور از «نستعین»، کمک خواستن از خدای متعال برای حرکت در مسیری است که در آیات بعدی توصیف شده است. نقطه (.): ارتباط قوی بین این آیه و بعد آن را تضعیف می کند.

### آیه ششم

اهدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ: ما را در طول جاده مستقیم هدایت فرمای-

### تحلیل متن مبدأ/ST Analysis

- دو آیه آخر این سوره ی مبارکه، «اهدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ \* صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» استعاره ی مبسوط/extended metaphor است، که element های اصلی آن، «اهدِ» و «الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» و «الضَّالِّينَ» است. در واقع، «اهدِ» تصویر راه بری خدای متعال را ترسیم می کند در «الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» - image برای «جاده ی مستقیم»؛ «الضَّالِّينَ» نیز کسانی هستند که این جاده را گم کرده، در «گمراهی» به سر میبرند. ما نیز «هدایت» در این مسیر را از «راهبر» این جاده می خواهیم. پس کل این دو آیه یک تصویر/image واحد است، به نام استعاره مبسوط/extended metaphor: مبسوط است، چون از محدوده کوچک کلمه و عبارت خارج و به حوزه جمله وارد شده است. (بسط/extension یافته است.)

<sup>۶</sup> البته، بحث عبادت و آداب آن، در جای خود مهم است و تنافری با مفهوم بندگی ندارد؛ بلکه عبادت، لازم و ملزوم عبودیت است. مگر می شود، بنده خدا باشیم و به عبادت بی رغبت؟!)



### نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis

اهدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ: ما را در طول جاده مستقیم هدایت فرمای-

Show us the right way,

Show-Guide us through the right Path, the way Straight-;

Guide us through the Path, the Straight—

- show و right و way یک ایراد مشترک دارند: استعاره مبسوط/ extended metaphor را تقریباً معدوم کرده اند، زیرا تصاویر/ images را با کلمات غیر تصویری جایگزین کرده اند:
  - show یعنی نشان دادن مسیر و نه راهبری کردن در آن. این تصویر استعاری را guide نشان می دهد؛ لذا، جایگزین شد.
  - right یعنی صحیح، اما این جا می خواهیم تصویر مسیری مستقیم را منعکس کنیم. برای این هدف، Straight جایگزین شد.
  - way یعنی شیوه و طریقه، که تصویر جاده ای که تا خدا منتهی می شود را کاملاً از بین برده است. این تصویر را با Path بازسازی می کنیم.
- Straight :
  - تصویر استعاره ی بسیط را به اندازه ی سهم خودش بازسازی می کند.
  - بزرگ نگاری می شود زیرا مصداق خاص دارد (صراط اهل بیت، علیهم السلام، و ولی فقیه/نائب عامّ امام، عجل الله تعالی فرجه الشریف، در غیبت)؛ صفتی غیر محدودگر است؛ بنابراین:
    - باید با ویرگول از جمله جدا شود.
    - بعدِ موصوف (بعدِ Path) می آید.
- ویرگولِ آخر ترجمه را با dash خط تیره (-) جایگزین می کنیم تا آیه بعدی توضیح آیه فعلی باشد و استعاره مبسوط/ extended metaphor منسجم تر و واضح تر شود.

### آیه هفتم

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ: جاده کسانی که به آنان نعمت (ولایت) عنایت کردی، نه کسانی که مستوجب غضب(ت) شدند و نه ره گم کردگان.»

### تحلیل متن مبدأ/ ST Analysis

- این آیه، بدل/ appositive است، چون الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ نیاز به توضیح دارد و این آیه توضیح آن است.
- این آیه، مکمل استعاره ی مبسوط/ extended metaphor است، که در آیه ی قبلی شروع شده است.
- «انعمت علیهم» دارای صورت معلوم است: active voice. صورت معلوم معنایش این است: نعمت، از جانب الله، جل جلاله، و عنایت و تفضلی از جانب حضرت دوست است و تلاش و اراده ی ما فرع بر اراده و عنایت اوست.<sup>۷</sup>
- مغضوب، اسم مفعول است و به لحاظ کاربردی مانند صورت مجهول عمل می کند: passive voice: کسانی که دچار غضب الهی می شوند، خودکرده اند و در آخرت برایشان تدبیری نیست. در ساخت مجهول، فاعل مهم نیست، بلکه مفعول است که زیر ذره بین قرار می گیرد.

<sup>۷</sup> فرع است، و البته مهم!

## نقد و بررسی ترجمه / TT Critical Analysis

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ: جاده کسانی که به آنان نعمت (ولایت) عنایت کردی، نه کسانی که مستوجب غضب(ت) شدند و نه ره گم کردگان.»

the way of the ones whom You have favored, other than that of the ones against whom You are angered, and not (that of) the erring. (It is customary to say "amin" "amen" at the end of this Surah).

~~the The Pathway of the onesthose whom ThouYou have(dost) favored, notother than that of the onesthose against whom You are angeredwho incur (Thy) wrath, and notnor (that of) the erring those who go astray. (It is customary to say "amen" at the end of this Surah)."~~

The Path of those whom Thou (dost) favor, not those who incur (Thy) wrath, nor those who go astray."

- اهل تسنن می گویند، در پایان سوره حمد آمین گفته می شود، اما شیعه می گوید، گفتن آمین مبطل نماز است و مستحب است «الحمد لله رب العالمین» گفته شود<sup>۸</sup> و توضیح انگلیسی داخل پرانتز، که مترجم آورده است، انعکاس اعتقادات مذهبی مترجم سنی مذهب است. به همین دلیل، این قسمت (It is customary to say "amen" at the end of this Surah.) در ترجمه حذف می شود. ضمناً ایراد دیگر این است که ما در پی ترجمه ای تفرقه انگیز و موجب اختلافات مذهبی نیستیم. طبق فرمایش رهبر بصیرمان، امام خامنه ای، مد ظله العالی، در جهان امروز، وحدت بین مذاهب اسلامی اوجب واجبات است. به همین دلیل، مترجم نباید به اختلافات در ترجمه دامن بزند.<sup>۹</sup>
- آیه باید با حرف بزرگ شروع شود.
- ترجمه صراط (Path) با حرف بزرگ شروع می شود، زیرا یک مصداق برای صراط بیشتر وجود ندارد و آن هم ولایت و تبعیت از ائمه اطهار علیهم السلام و در زمان غیبت از ولایت فقیه است.
- the ones همان those است، با این تفاوت که those :
  - موجزتر است؛
  - زیباتر است؛
  - خوش آوا تر است.
- سبک ترجمه ی متون مقدس رعایت نشده است، که اصلاح شد: Thou; dost; Thy; استفاده از dost برای زیبایی است و مفهوم خاصی ندارد. شبیه doth keel the pot در شعر زمستان شکسپیر.
- voice در ترجمه ی مغضوب، از مجهول به معلوم ترجمه شده است، که اشتباه است زیرا لجبازی و استحقاق غضب را در «مغضوب علیهم» کمرنگ می کند.
- incur بهترین معادل برای نشان دادن این است که مغضوب علیهم خود مستوجب و شایسته ی غضب شدند: به خاطر کارهایی که خود می کردند. به تعریف این کلمه (incur) در فرهنگ لغت یا یادداشت هایتان مراجعه کنید.
- the erring تصویر image/ را از بین برده است. معادل جایگزین شده ی ما (go astray) به وضوح تصویر استعاره مبسوط/ extended metaphor را منعکس و بازسازی می کند: دو کلمه go و astray گروهی را نشان می دهد که از جاده مستقیم خارج شده اند و بیرون از آن قدم می زنند.
- در انتهای ترجمه ی همه ی سوره های قرآن مجید، گیومه ای که هنگام ترجمه بسم الله الرحمن الرحیم باز کرده بودیم را می بندیم. هرگز نشه فراموش! 😊

<sup>۸</sup> شاید دلیلش این باشد: پیروان ائمه اطهار علیهم السلام در مسیر مستقیم هستند، پس خدا را بر این نعمت شکر می کنند و ستایش: الحمد لله رب العالمین؛ اما دیگران در این مسیر نیستند، پس باید آمین بگویند، به این امید که در این مسیر قرار بگیرند و نعمت ولایت خاندان عترت و طهارت نصیب شان شود: آمین. (والله هو الاعلم).

<sup>۹</sup> متعاقب فتوای امام خامنه ای، مد ظله العالی، مبنی بر تحریم توهین به مقدسات اهل تسنن - مخصوصاً ام المؤمنین، عایشه، مفتی اعظم الازهر مصر - که مرکز اهل تسنن است - فتوا داد که تشیع، مذهب پنجم اسلام است. (قبل فتوای وحدت بخش امام خامنه ای، حفظه مد ظله العالی، بسیاری از بزرگان اهل تسنن در خارج از ایران اسلامی، شیعه را کافر می دانستند.)

## تعریف برخی اصطلاحات / Definition of Technical Terms

- proposition<sup>۱۱</sup> یا مطلب، مفهوم کاملی است که معمولاً توسط یک جمله خبری بیان می شود و به یک اتفاق، عمل، حالت، وضعیت یا توصیف اشاره می کند.
- هر مطلب از دو بخش نهاد subject و گزاره predicate تشکیل می شود. اولی موضوع مطلب و دومی خبر و توضیحی راجع به موضوع یا نهاد است.
- توصیف کننده یا modifier بر سه نوع است:
  - بدل / appositive اسمی است که اسم ماقبلش را توضیح می دهد.
  - صفت / adjective واحدی است از نوع دستوری صفت که اسمی را توصیف می کند.
  - قید / adverb واحدی است از نوع دستوری قید که فعل یا صفت یا قید یا جمله را توصیف می کند.
- صفت محدودگر: صفتی است که مصداق موصوف را محدود می کند. به آن restrictive adjective/defining adjective می گویند. مثلاً، در «مسجد جامع»، «جامع»، صفت محدودگر است، زیرا مصداق «مسجد جامع» را از سایر مساجد شهر تفکیک می کند.
- صفت غیرمحدودگر / non-restrictive adj./non-defining adj.: صفتی است که مصداق را محدود نمی کند اما برای ذکر دلیل یا برجسته کردن یکی از ویژگی های موصوف می آید. تمامی صفات خدای متعال غیرمحدودگر هستند زیرا او یک مصداق بیشتر در عالم وجود ندارد. مثال: الرحمن الرحیم. «المستقیم» نیز برای صراط غیر محدود گر است زیرا یک صراط بیشتر نیست و آن هم صراط مستقیم است، که مصداقش اهل بیت علیهم السلام و مکتب آنان است. نیز وقتی می گوئیم، «خیمینی کبیر»، «کبیر» برای تفکیک مصداق امام راحل از سایر مصادیق با همین اسم نیامده است، بلکه عظمت ایشان را برجسته می کند.
- وجه / mood عبارت است از وجه یا حالت جمله که نشان می دهد جهت گیری جمله به چه سمتی است. آیا بیان واقعیت است؟ آیا دستور به کاری است؟ آیا آرزو و تمایل است؟ وجه / mood بر سه نوع است (طبق یکی از دسته بندی ها):
  - imperative mood / وجه امری، برای امر و دعا و خواهش به کار می رود. مثلاً اهدنا الصراط المستقیم امری است از نوع دعا.
  - subjunctive / وجه التزامی، که برای بیان آرزو، شرط غیر واقعی، افسوس و کلا بیان میل و خواسته، که معمولاً گاهی با واقعیت فاصله دارد یا گاهی درست مقابل واقع است. مثلاً «یا لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلاً» ای کاش با فلانی رفیق نمی شدم (قرآن مجید از قول کافر در قیامت) التزامی است.
  - declarative / اخباری، که خبر از واقعیت و حقیقت می دهد. مثلاً انا اعطیناک الکوثر و الحمد لله رب العالمین اخباری هستند.
- چه زمانی از نقطه بند استفاده می کنیم؟
  - قبل و بعد از آن clause باشد.
  - مفهوم و ساختار جملان / clause ماقبل و مابعد، مستقل / independent باشد.
  - ارتباط معنایی / منطقی نزدیکی بین قبل و بعد از نقطه بند وجود داشته باشد.
- صیغه مبالغه و صفت مشبیه چیستند؟
  - صیغه مبالغه: وزن هایی که کمال و گستردگی و شدت و کثرت صفتی را در کسی نشان می دهند، نظیر رحمن که یعنی دارای رحمت فراگیر و علامه که یعنی بسیار دانا؛
  - صفت مشبیه: وزن هایی که دوام و ثبات صفتی را در شخصی نشان می دهند. مثلاً «خداوند رحیم است» یعنی رحمت او همیشگی است.
- ال استغراق چیست؟ پاسخ:
 

استغراق یعنی پوشش کامل مصادیق (full inclusion). به عبارتی، وقتی می گوئیم: «الحمد لله»، یعنی همه ی مصادیق حمد و هر جا و هر زمان حمد رخ می دهد از آن الله، جل جلاله، است. این استغراق است. استغراق از «غرق» می آید: وقتی کشتی غرق می شود، کل آن زیر آب می رود. پس استغراق یعنی پوشش و دلالت بر همه ی مصادیق کلمه.
- بافت زبانی چیست؟ چند نوع است؟ پاسخ:
 

بافت زبانی به معنای linguistic context یعنی محیطی که در آن کلام منعقد می شود و سپس محیطی که کلام در آن ثبت می شود. بافت زبانی جزئی از زبان است و زبان بدون آن قابل فهم نیست یا بهتر است بگوئیم به وجود نمی آید. بافت زبانی بر دو نوع است:

<sup>۱۱</sup> proposition را گزاره نیز گفته اند، که با توجه به هم نام شدن با predicate، خلط مبحث ایجاد می کند؛ لذا، «مطلب» پیشنهاد بنده است.

## سوره مبارکه فاتحه الكتاب، صفحه ی ۱۲ از ۱۲

○ **بافت موقعیت/ situational context** عبارت است از موقعیت زمانی و مکانی و فضایی که کلام در آن منعقد شده است. مثلاً من که الان دارم این جزوه را تایپ و اصلاح می کنم داخل منزل نشسته ام؛ وقت کم است و باید زودتر به دست آقای انصاری فر برسانم. از شهرستان برایم مهمان آمده است؛ باجناقم همان طور که دارم جزوه را تایپ می کنم، از هر دری سخن می گوید و ....! دارم جزوه را اصلاح می کنم، اما اگر باز هم اشکالی در این جزوه دیدید، به خاطر **Situational context** امشب است، که هم عجل دارم و هم باجناقم مشغول صحبت با من است ☹️. می بینید که بافت موقعیت قبل و هنگام انعقاد کلام نحوه ی شکل گیری کلام را هدایت می کند. شان نزول در بحث قرآن مجید همان context of situation است.

○ **بافت متنی/ textual context** عبارت است از همان متنی که کلام در آن مشاهده یا شنیده می شود. مثلاً، این جزوه که دست شماست یا پرونده دیجیتال آن که دارید می خوانید، بافت متنی است. کلمات قبل و بعد هر قسمت که مطالعه می کنید، بافت کلام است. اگر یادتان رفت این مربوط به بحث کدام سوره می شود، بالای صفحه را نگاه می کنید و می بینید که نوشته است: **سوره مبارکه فاتحه الكتاب، صفحه ی ۱۲ از ۱۲**. اگر بخواهید بهتر درک کنید که این مثال مربوط به چه مفهومی می شود، احتمالاً بالاتر را نگاه می کنید و چشم تان به **بافت متنی/ textual context** می افتد و می گوید: «آها! یادم اومد! این مثال مال textual context بود!» به عبارت دیگر، بافت متنی یعنی محیط متنی که کلماتی که می خوانیم در آن ثبت شده است و در داخل آن قابل فهم است. بافت متنی قرآن مجید هم همین کتابی است که چند قدم آن طرف تر داخل طاقچه دارد خاک می خورد. ☹️ به طور اخص، خط به خط قرآن مجید بافت متنی است: مثلاً در متن **يسئلونك عن الساعة** (راجع به ساعت از تو می پرسند) منظور روز قیامت است نه این که بیسند ساعت چند است! اما در متن کتاب ریاضی، قسمت آموزش ساعت، بافت متنی مشخص می کند که منظور از ساعت همان سه دونه ای است که ۱۲ تماشاجی ۲۴ ساعت تشویق شان می کنند و خسته نمی شوند!!! (بیکارند دیگر!)

- **Expansion:** when the translator expands the form of the ST in the TT: He uses a form bigger than that in the ST. E.g., mobile >> گوشی همراه

بسط: وقتی مترجم متن مبدا را به آشکار تر از آن چه هست تبدیل نکند و فقط شکل زبان مبدا را طولانی تر کند، از بسط استفاده کرده است. مثلاً به جای یک کلمه از ۲ کلمه و به همین منوال استفاده کند. مثال بالا ذکر شد.

- **Explication:** when the translator does not necessarily change the form, but only changes the level of the explicitness of the ST in the TT: what was hidden in the ST becomes explicit in the TT. E.g. It's cold! >>> explicating translation: سرده! در را ببند!

آشکارسازی: وقتی مترجم لزوماً شکل متن مبدا را تغییر نمی دهد یا در پی تغییر آن نیست، بلکه به دنبال آشکار کردن مفاهیمی است که در متن مبدا پنهان و مد نظر گوینده یا نویسنده بود اما به صراحت ذکر نشده بود.

- **Addition:** when you mention in the TT what was neither mentioned nor implied in the ST; e.g. when you say sth and someone interprets your statement wrongly and you say, "I didn't mean it!"

افزایش: وقتی در متن مقصد مطلبی را ذکر می کنیم که در متن مبدا نه ذکر شده و نه منظور نویسنده/گوینده بوده است. این در گفت و گوهای داخل زبانی بدون ترجمه هم رخ می دهد. مثلاً، وقتی به کسی که مشغول سخنرانی است، می گوئیم، «خسته نباشید»، اگر بگوئیم: «یعنی من خفه شوم دیگر؟!» می گوئیم: «چرا حرف توی دهن من می گذاری؟!» یعنی افزایش/addition؛ مطلبی را حتی منظورمان هم نیست، اما شنونده/خواننده به ما نسبت می دهد.

• **overgeneralization/تعمیم ناروا:** این که مطلبی که فقط راجع به چند مصداق/مورد یا به حوزه ای محدود مربوط است را به حوزه های وسیع تر توسعه دهیم. مثلاً شنیده اید که برخی افراد هستند که مثلاً می شنوند دانشجویی درس نمی خواند و بعد می گویند امروزه دانشجویان تنبل شده اند! یا استادی درس نمی دهد و می گویند: اساتید دانشگاه حقوق مفت می گیرند! و بدین منوال.... در بحث ترجمه، تعمیم ناروا می تواند به این صورت باشد که مطلبی راجع به حوزه ای خاص بیان شده است و ما طوری ترجمه کنیم که حوزه های دیگر را در بر بگیرد. مثلاً کمک خواستن ما در سوره مبارکه حمد – آن طور که بنده در ذهنم است – مربوط به کمک خواستن برای بیمودن مسیر مستقیم ولایت معصومین علیهم السلام و ولی فقیه است، اما مترجم با **for each and everything** آن را به قدم زدن در مسیر خیابان دانشگاه به سمت پردیس اسرار هم گسترش داده است! در مباحث بعدی، مجازات پراید برای این مترجم در نظر خواهیم گرفت. ☺️

• خلأ واژگانی چیست؟ پاسخ:

خلأ واژگانی/lexical gap یعنی این که ما به دنبال معادلی مناسب در زبان مقصد بگردیم ولی معادل دقیق یا اصلاً هیچ معادلی پیدا نکنیم که در ترجمه از آن استفاده کنیم. مثلاً، برای ترجمه لفظ جلاله ی «الله»، معادل دقیقی در انگلیسی وجود ندارد. «God» – همانطور که در ابتدای مبحث سوره مبارکه حمد اشاره کردیم – اصلاً معادل دقیقی نیست. لذا، از «Allah» استفاده کردیم.